

اختیار کن، در وادی خاموشان داخل شو، چه دیگر بیادت
سایر بمالك بازگشت نخواهی کرد

ای حدائق معلقه بابل! خم می شوی، پژمرده میگردی، گویا
دیگر آن ایام سعادت فرجام را نخواهی دید!

معجزه های بابل! باکمال تعجب این دیواری را که به
واسطه برجهای قوی و سهمناک ساخته شده می بینم و بروزهائی که
در پیش داری افسوس میخورم!

ارمیای پیغمبر نیز شرحی مبنی بر خرابی آن ذکر نموده و
بنی اسرائیل را بانهدام آن خبر داده، ولی آثار مکشفه نام آنرا
در صفحات تاریخ جاوید نموده و در عالم مدنیت خرابی و
انهدام تا به ابد برای آن نخواهد بود!
تا بوده چنین بوده تا باد چنین باد.

قاهره — سید مصطفی طباطبائی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

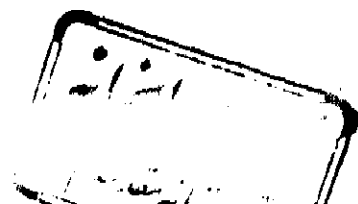
ایران تدویم

آثار ساسانی در خوزستان

قطعه خوزستان یکی از مهمترین قطعات ایران میباشد
که اگر مختصر اهتمام و توجهی برای آبادی آن
صرف شود ثروتهای هنگفتی از منابع و معادن
آنجا حاصل میتوان کرد. اگر يك نظر سطحی به



اهمیت و عظمت تاریخی این قطعه یندازیم معلوم میشود که در ایران



دیم جقدر آباد بوده و چه فوایدی از این ایالت مهم بر میداشتند.
 رودخانه کارون که از کوه‌های بختیاری و رود کرخه که از کوه

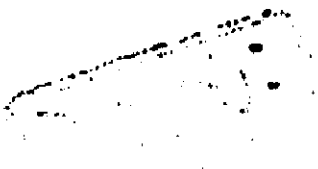


Sassanian Bridge of Shushter.

این شهر از بنامی ساسانی

کتابم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه جامع علوم انسانی

نهند بیرون می‌جهد و همچنین آب دیز و شعبات آنها برای اسقای اراضی
 این ایالت بهترین وسایل است. زحمات و مساعی پادشاهان ساسانی درین
 قطعه بسیار بزرگ بوده و هنوز آثار آن بکلی محو نشده است. بندهای



معروف ششتر با اینکه قسمی خراب شده است؛ خرابه‌های شهر چند
شاپور در نزدیکی کازرون که نوشیروان در آنجا دارالعلم و بیمارستان



بندهای ششتر از آثار ساسانی

Sassanian Dike at Shushier

معروف خود را بنا کرده بود، و خرابه‌های شهر شوش در ساحل چپ
رود کرخه و سایر آثار عتیقه که نشانه‌های کمی از آنها باقی مانده همه
یاد از عهد آسایش و آبادی و عدالت دوره هخامنشی و ساسانی میکنند!

معروف است که پادشاهان هخامنشی همیشه آب کرخه را برای آشامیدن استعمال میکردند و در حوالی شتر بوده که در سال ۲۶۰ میلادی، شاپور اول، امپراطور روم والریان را شکست داده و اسیر نمود. در شصت میلی جنوب شرقی شتر کوه و جلگه ملایر واقع است که در شمال غربی این جلگه بقایای پل معروف به «خره زاد» هنوز دیده می‌شود. خره زاد نام مادر اردشیر بابکان مؤسس خاندان ساسانی بوده است و شهر رام هرمز که در سر راه اهواز به بهبهان واقع است نیز یادگار پادشاه ساسانی هرمز نبیره اردشیر میباشد.

«سر پرسی سایکس» در کتاب جدید خود مسمی به «تاریخ ایران» که در دو جلد بزرگ با تصویرهای بسیار نفیس در سال ۱۹۱۶ چاپ شده، چنین مینویسد:

«در قرون وسطی، خوزستان حاصل خیزترین ایالت ایران بود و نیشکرهای آنجا بسیار معروفیت داشت. لیکن مهاجم عشایر و طوایف پابان‌گرد و چادر نشین، یک بار دیگر اهالی زارع و زحمت کش این قطعه را پریشان و پراکنده کرد. این اهالی از رنج دست خود زندگی میکردند و در سایه نهرها و جویها و قنات‌ها که پادشاهان و بزرگان در این قطعه ساخته بودند از آبهای رودها استفاده کامل نموده زراعت میکردند. این جویها و قناتها را هم، حکومتها تا این اواخر نگهداری میکردند و اگر وسعت هم نمیدادند خراب هم نمیکذاشتند. هم خوزستان حالیه که یادگار مملکت بزرگ بابل و عیلام است از آبادی چیزی ندارد و محتاج یک مهندس قوی دست و حکومت تاقی است که چنانکه در مصر و در پنجاب بعمل آورده است، چندین میلیون زارعین مرفه الحال در این قطعه بنشانند بجای چند هزار چادر نشینان و مواشی آنان».

بلی اهمیت خوزستان در ایام قدیم و در قرون وسطی در اغلب کتب تاریخ مسطور است و بنا بنوشته ابن خردادبه تنها خراج اهواز در عهد دولت عباسی در قرن سیم هجری بالغ بر سی هزار درهم بوده است.

موقع خوزستان اهمیت زیاد دارد و نه تنها از جهت منابع ثروت بلکه از نقطه نظر سیاسی و نظامی نیز در آنیه بسیار مهم خواهد شد و جای تأسف است که حکومت ایران چندان اعتنا و اهتمام بدین قطعه نمیکند و حتی از عایدات وقت جنوب که سالیانه ملیونها لیره می‌شود و از محصولات این قطعه میباشد مقداری جزئی را هم برای آبادی این خاک صرف نمیکند و چنانکه در جراید خوانده می‌شود اهالی این قطعه تشنه عدالت و امنیت‌اند و اولیای امور در غفلت و نمیدانند که اگر آنها آباد نکنند دیگران خواهند کرد و لیکن آنوقت این قطعه را از آن خود خواهند دانست.

تدقیقات لسانی

اسپراتو در ایران

آقای محترم!

نمره ششم مجله را دریافت و شرحی که در خصوص زبان بین‌المللی اسپراتو درج فرموده بودید مطالعه نمودم. چون در مشروحه خودتان در طهران آقای شیدانی و در تبریز اینجانب را مخاطب فرموده بودید لازم دانستم به‌ادای وظیفه خود سطری چند در باره اسپراتو نگاشته و اگر موفق شدم بعدها در این